

تریبون استان‌ها

محمد شکوهی فر

خبرنگار و سرپرست روزنامه ایران در سیستان و بلوچستان

اوایل دهه ۷۰ بود که روزنامه‌ای جدید با شعار «ایران بخوان» به میان مردم آمد تا علاوه بر همراهی با دیگر رسانه‌های آن روزگار، در انتشار اخبار و رویدادهای روز، تمرکز را از پایتخت به سوی نشر خبرهای استانی هدایت کند.

نگاهی نو که روزنامه ایران برای اولین بار به آن پرداخت و در ادامه در دهه ۸۰ با راه‌اندازی ویژه‌نامه‌های «ایران زمین» که مختص استان‌ها بود، نشان داد به شعار روز اول خود وفادار مانده؛ نگاهی برگرفته از دیده شدن تمام نقاط کشور در میان اخبار و اینکه دایره اخبار و گزارش‌های این روزنامه وسعتی به اندازه ایران دارد.

دیدگاهی که در آن روزگار در استان‌ها به خصوص استان کمتر توسعه‌یافته‌ای مانند سیستان و بلوچستان مورد اقبال مردم قرار گرفت و باعث افزایش انگیزه مدیران در شهرستان‌ها برای کارآمدی بهتر شد.

به یاد دارم در آن روزگار مدیران دستگاه‌های اجرایی با اشتیاق به اینکه اخبار مربوط به آنها

در صدر صفحات رسانه سراسری دولت قرار بگیرد، عزم خود را جزم کرده بودند؛ موضوعی که در آن برهه سبب توسعه بیش از پیش این استان در عرصه‌های مختلف شد. در واقع انتشار اخبار شهرستان‌های دورافتاده که تا آن زمان کمتر در رسانه‌ها به آنها پرداخته می‌شد، نگاه مسئولان ملی را به سمت خود معطوف کرد و کارهای بزرگی به پشتوانه همین امر محقق شد. برای من که ۳۰ سال روزنامه ایران را در سیستان و بلوچستان همراهی کردم، تأثیر شنیده شدن صدای مردم محروم‌ترین استان کشور و شهروندان دور دست‌ترین نقاط ایران در روزنامه دولت را به معنای واقعی می‌دیدم و حس می‌کردم.

مطالبی که روزنامه ایران در طول این سال‌ها از محرومیت‌های نقاط حاشیه‌ای زاهدان و زابل بویژه دسترسی نداشتن به آب شرب سالم و همچنین گزارش‌های متعددی که در خصوص بی‌شناسنامه‌ها و کودگان بازمانده از تحصیل منتشر کرد، توجه مسئولان و پایتخت‌نشینان را به این معضلات برانگیخت. در پایش‌های منطقه‌ای و استانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، روزنامه ایران همواره در پرداختن به مشکلات استان‌ها در صدر جدول بوده که همیشه به معضلات و مشکلات مردم سیستان و بلوچستان پرداخته است.

همچنین مردم استان‌های مختلف که آن سال‌ها دسترسی کمتری به اخبار داشتند و عادت کرده بودند تنها صدای تهران را در رسانه‌ها بشنوند، شور و شوق روزافزونی از دیده شدن در رسانه سراسری داشتند و هر روز ساعت‌ها منتظر رسیدن روزنامه ایران به شهرشان بودند. با این حال در سال‌های بعد از یک سو تغییرات دولت و به تبع آن تغییرمدیران روزنامه ایران و از سوی دیگر ظهور شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های مجازی سبب فرار و نشیب بسیاری در این رسانه شد و جایگاه پیشین استان‌ها کم‌رنگ و ضعیف شد. روزنامه ایران باید با بهره بردن از پلتفرم‌ها و قالب‌های رسانه‌ای جدید در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی همچنان به شعار ایران فقط تهران نیست، متعهد و مقید بماند. اکنون بعد از گذشت ۳۰ سال از عمر این رسانه تأثیرگذار، مردم در استان‌های مختلف کشور امیدوارند با روی کار آمدن دولت «وفاق ملی» بار دیگر رسانه دولت با ابتکار عملی که در دوره‌های مختلف بارها شاهد آن بوده‌ایم، بتواند یک‌بار دیگر به دوران طلایی خود بازگردد و با انتشار اخبار امید بخش زمینه تعالی و بالندگی استان‌ها را در سایه هنرنمایی رسانه و وفاق ملی مهیا کند.



برای من که ۳۰ سال روزنامه ایران را در سیستان و بلوچستان همراهی کردم، تأثیر شنیده شدن صدای مردم محروم‌ترین استان کشور و شهروندان دور دست‌ترین نقاط ایران در روزنامه دولت را به معنای واقعی می‌دیدم و حس می‌کردم